

\*\*\* انواع تشبیه را در بیت « من آن شهرم که سیلاب محبت ساخت ویرانم / تو آن گنجی که در ویرانه دل ها وطن داری » بیابید و بنویسید .

### سبک شناسی قرن های 7 و 8 و 9 ( سبک عراقی )

### درس چهارم

### ویژگی های سبک عراقی

### شعر

<p>❖ چهارچوب زبان فارسی همان سبک زبان فارسی قدیم ، یعنی سبک خراسانی با حدودی مختصات جدید است .</p> <p>❖ می توان گفت که کلمات در حال کوتاه شدن هستند برای مثال « همی » به « می » و « اندر » به « در » تبدیل شده و واژگانی مثل « ایدون، ایدر » حذف شده یا بسیار کم به کار می روند .</p> <p>❖ استفاده از کلمه « مر » در کنار مفعول کم شده است .</p> <p>❖ نکته : مهم ترین ویژگی سبک عراقی ، درآمیختگی و ترکیب ویژگی های نو و کهن در ادب فارسی است .</p>	<p>زبانی</p>
<p>قالب مسلط شعر غزل عارفانه و عاشقانه است که در انتهای آن تخلص یا نام شعری شاعر درج می شود.</p> <p>استفاده از علوم ادبی مثل «بیان» و «بدیع» فزونی یافته است .</p> <p>در دوره سبک عراقی شعر از محدوده دربار و قصیده های خارج شد .</p>	<p>ادبی</p>
<p>در نتیجه تحولات سیاسی و اجتماعی معشوق زمینی از نظر می افتد و معشوق اندک اندک متعالی می گردد تا جایی که با معبود یکی می شود .</p> <p>توجه به تصوف و امور اخروی ترمیمی برای احساسات مردم بود ؛ در نتیجه اندیشه هایی مانند بی اعتباری دنیا ، اعتقاد به قضا و قدر و این تفکر که هر چه از دوست رسد ؛ نیکوست .افزایش می یابد پرهیز از ریا ، توجه به صفا و پالایش درون ، برتری عشق بر عقل از جمله مفاهیم شعری این دوره است .</p>	<p>فکری</p>

خراسانی	عراقی
ستایش خرد	ستایش عشق
شادی گرایی	غم گرایی
وصال	فراق
واقع گرایی با توجه به دنیای بیرون	ذهن گرایی با توجه به دنیای درون

رواج روحیه پهلوانی و حماسی	رواج روحیه عرفانی و اخلاقی
باور به اختیار و اراده	باور به قضا و قدر
زمینی بودن معشوق	آسمانی بودن معشوق
بازتاب اندک علوم در شعر	بازتاب بیشتر علوم در شعر

## نثر:

<p>در این دوره نثر دشوار و فنی رو به افول است و ساده نویسی رواج می یابد. این ساده نویسی تا جایی ادامه می یابد که نویسندگان کاب های دشوار را به زبان ساده بازنویسی می کردند؛ و در این راه زیاده روی می کردند که واعظ کاشفی کلیله و دمنه را به زبان ساده نوشت و نام آن را «انوار سهیلی» نهاد.</p> <p>تاریخ نویسی البته با زبان ساده رواج داشت. حاشیه نویسی های متعددی نیز به نثر ساده بر تاریخ های قدیمی انجام گرفت.</p> <p>* علت رواج تاریخ نویسی در دوره مغولان علاقه شدید آنان به ثبت وقایع مربوط به پدران و اجدادشان بود که در دوره تیموری هم ادامه یافت.</p> <p>نکته: سادگی سبک عراقی در همه جا یکسان نیست و نثر آن را نمی توان نثری فصیح و بلیغ دانست.</p> <p>داخل شدن لغات و واژگان مختلف، مانند ترکی و مغولی به زبان فارسی در دوره تیمور سرعت می گیرد به طوری که سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیر نوایی (مؤلف کتاب محاکمه اللغتین) ترکی گویی و ترکی نویسی را ترویج و به آن زبان شعر می سرودند؛ حتی ظهیرالدین بابر نیز «بابر نامه» را به ترکی نوشت.</p> <p>به وجود آمدن سستی و ضعف در ساخت دستوری جملات نیز در نثر این دوره وجود دارد.</p>	<p>زبانی</p>
<p>تألیف آثار به زبان عربی از میان رفت.</p> <p>صنایع ادبی جای تعمق و تفکر را گرفت اما استفاده از این صنایع در حد ظاهر سازی بوده و به صناعی مانند معما پردازی و سرودن اشعار ذوقاقتین محدود شد.</p>	<p>ادبی</p>
<p>ضعف و انحطاط فکری این دوره را فرا گرفت زیرا به علت نابودی کتابخانه ها و کشتن دانشمندان از صحت مطالب کاسته شد.</p> <p>تحقیق و تفحص در میان علما و ادیبان کاهش یافت؛ چرا که جامعه با فقدان اساتید بزرگ و حوزه های موجه مخالف بود.</p> <p>مدعیان عرفان اصالت خود را از دست دادند و به درسی کردن عرفان و اصطلاحات آن و پیچیده جلوه دادن مفاهیم آن روی آوردند و در نتیجه در این دوره کتاب عرفانی معتبری نوشته شد.</p>	<p>فکری</p>

\*\*\*\*\*

✓ سوال یک :

الف) \*زبان شعر به نسبت دوره های قبل در کاربرد حروف اضافه تغییر کرده است؛ کاربرد در سفر به جای : اندر سفر / در فراق به جای اندر فراق

\*در شعر کاربرد تاریخی افعال دیده می شود : سوزید صورت کهن یا تاریخی سوخت.

\* کاربرد واژگان عربی در شعر دیده می شود : مقام ، فراق، نفاق ، هجر و ... .

\* در شعر اصطلاحات مربوط به عرفان به کار رفته است. پخته ، خام ، هجر ، دوست و ...

ب) با توجه به این که شعر مربوط به قرن هفتم است . نشانه های گرایش به عرفان و تصوف در آن پیداست . موضوع اصلی شعر نفی خودبینی و خودستایی است . این مفهوم اصلی ترین مفهوم عرفانی است . در شعر سبک عراقی ترویج اخلاق و حکمت و خودشناسی دیده می شود و شرط رسیدن به خودشناسی ترک خویشتن است .

پ) شعر بیان تمثیلی دارد . قالب شعر مثنوی است و هر بیت قافیه ای جداگانه دارد. آرایه های ادبی تضاد ( ادب و بی ادب ) / تناسب ( آتش و سوختن ..... ) دیده می شود

ت)

با ننگ زد یا	رشک بر در	کی ست آن
گفت بر در	هم ت بی ای	دل س تان

2- به دلیل علاقه فرمانروایان مغولی به ثبت وقایع مربوط به پدران و اجدادشان .

3- در شعر فردوسی زبان قدیمی است و نشانه های آن در واژگانی چون ایدر ، شادان دل ، برآویختن ، و .. دیده می شود . جابه جایی اجزای جمله در شعر فردوسی بیشتر است .

در شعر فردوسی بین صفت و موصوف فاصله افتاده است: سوار آورم زابلی . واژگان حماسی در شعر فردوسی دیده می شود : رزمگه ، خنجر ، جنگو.... در حالی که واژگان غزل حافظ لطیف هستند و نرم : خاطر ، حزین ، خیال انگیز .... در شعر حافظ ترکیب های نو و بدیع دیده می شود : انگشتی زنهار ، کلک خیال انگیز ، صد ملک سلیمان ...

4- ویژگی فکری : در بیت نوعی انتقاد، فریاد خواهی و شکایت وجود دارد این شکایت متأثر از شرایط ناهنجار اجتماعی است . در بیت دوم نیز به مخاطب هشدار می دهد مراقب عملکرد خود باشید زیرا نتیجه هر عملی در ابتدا شامل حال خود شخص خواهد شد .

تشبیهات : تشبیه فشرده غیر اضافی: آب دیده مظلوم (مانند آتش است)

تشبیه گسترده : تو همچو شمعی هراسان باش.

5- جنبه های عرفانی در این نوشته به طور کامل بارز است . پیروی از انبیا و تبعیت از اولیا که از مفاهیم عرفانی است در این نوشته کاملاً مشهود است . سالک را به پیروی از انبیا و اولیا ، سیر و سلوک آنان دعوت می کند .

6-

پایه های آوایی	چ نین گف	ت رس تم	ب آوا	ز سخت
پایه های آوایی	ک ای شا	ه شا دان	د ل نی	ک بخت
نشانه های هجایی	--u	--u	--u	-u

### پایه های آوایی همسان (1)

### درس پنجم

زمانی که هجاهای شعری ، به شکلی درست به پایه های آوایی بخش گردید ؛ ساده تر آن است که به جای هر یک از پایه های آوایی ، معادل آوایی هر یک از پایه ها بیان شود . معادل آوایی این پایه ها را « وزن واژه» یا « اسم رکن » می نامیم . مثال :

**\*\* اگر آتش تو را ببند چنان در گوشه بنشیند / کز آتش هر که گل چیند ؛ دهد آتش گلی رعنا**

پایه های آوایی	ا گر آتش	گ لی چی ند	چ نان در گو	ش بن شی ند
	ک زا تش هر	ک گل چی ند	د هد آتش	گ لی رع نا
نشانه های هجایی	- - - U	- - - U	- - - U	- - - U
وزن واژه	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن

اگر آتش تو را ببند / مفاعیلن مفاعیلن / مفاعیلن مفاعیلن / مفاعیلن مفاعیلن

که از آتش هر که گل چیند / مفاعیلن مفاعیلن / مفاعیلن مفاعیلن / مفاعیلن مفاعیلن